

گفتگوهایی در سلجوقی شناسی

گفتگوهای سلجوقی شناسی، ره‌آورد گفت و شنیدهایی است که به صورت مستمر با استادان و صاحب نظران تاریخ ایران در دوره سلجوقیان و سده های میانه صورت خواهد گرفت. این گفتگوها تلاشی است برای شناخت مسائل مهم تاریخ ایران در دوره سلجوقیان. استادان و صاحب نظران با ارائه تاملات، دیدگاه‌ها و نیز دستاوردهای پژوهشی خویش، باب بحث و گفتگوی بیشتر در مسائل و موضوعات تاریخ این دوره را گسترش خواهند داد.

گفتگوی نخست به بحث در باب کتاب سیاست نامه و مولف نامدار آن خواجه نظام الملک طوسی اختصاص دارد. دکتر روح الله اسلامی مباحثی مهم و سودمند در پیوند با سرشت سیاست نامه نویسی، جایگاه کتاب سیاست نامه، بینش خواجه نظام الملک و نیز رهیافت هایی در ارتباط با مبانی تاریخی کارآمدی حکومت ها مطرح کرده اند.


**Governance from the point of view of Khaje Nizam-ul-Molk Tusi:
The policy is the continuation of the wise Iranian bureaucracy¹**

Conversation with Dr. Ruhollah Eslami

Ruhollah Eslami was born in 1364 in Kerman, and graduated with a doctorate in political science from Allameh Tabatabai University. Currently, he is a member of the academic faculty of the Political Science Department of Ferdowsi University of Mashhad and the head of the Cultural and Social Planning and Studies Department of Ferdowsi University. Among his works, we can mention the books "Political Thoughts in Ancient Iran" (1398), "The Glory and Decline of Politics in Iranshahri Thought" (1398) and "Iranshahri Governance" (1396).

Key words: Khaje Nizam-ul-Molk Tusi, Iranian bureaucracy, Seljukidsstudies, Ruhollah Eslami

¹ This conversation was conducted and edited by Reza ShahMaleki, PhD in the history of Iran in the Islamic period, in March 1400. shahmalaki@gmail.com
Date received: 16/2/2023, Date of acceptance: 30/3/2023

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام الملک طوسی: سیاست‌نامه، تداوم دیوانسالاری خردمندانه ایرانی است^۲

اشاره

روح الله اسلامی متولد ۱۳۶۴ (کرمان) و فارغ التحصیل دکتری علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی، اکنون عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد است. ایشان در باب حکومت داری و اندیشه سیاسی در ایران پژوهش‌های متعددی را در کارنامه دارد. از جمله آثار او می‌توان به کتابهای «اندیشه‌های سیاسی در ایران باستان» (۱۳۹۸) «شکوه و زوال سیاست در اندیشه ایرانشهری» (۱۳۹۸) «حکومت‌مندی ایرانشهری» (۱۳۹۶) و «سیاست در عصر دیجیتال» (۱۴۰۱) اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: خواجه نظام الملک طوسی، دیوانسالاری ایرانی، مطالعات سلجوقی، روح الله اسلامی.

^۲ این گفتگو توسط رضا شاه ملکی، دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، در آذرماه ۱۴۰۰ انجام و تدوین شده است.

shahmalaki@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۰



* سیاست نامه مشهورترین اثر اندرزنامه ای است که در قرون میانه ایران نگاشته شده است و در آن محورهایی چون دین، مدیریت و آداب حکومت داری مورد تأکید است. اصولاً سرشت سیاست نامه نویسی در تاریخ ایران و ارتباط آن با اندیشه سیاسی را چگونه می توان توضیح داد؟

اسلامی: سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی در سنت های ادبیات فارسی و مباحث تاریخی مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد. اخیراً براساس روش شناسی جدید مطالعات ارزشمندی پیرامون اندیشه سیاسی در کتاب سیرالملوک (سیاست نامه) و خواجه نظام الملک طوسی (۴۰۸- ۴۸۵ ه.ق)، به خصوص از زمانیکه یک اندیشه سیاسی مستقل برای اندیشه سیاسی ایران در نظر گرفته شده، صورت گرفته است.

از سویی درباره اندیشه سیاسی در غرب و در جهان اسلام هم کارهای بسیار زیاد و خوبی انجام گرفته است. اما در باب اندیشه سیاسی در ایران به دلیل این که آن را جزئی از اندیشه سیاسی در اسلام قلمداد می کردند، کارهای مجزایی صورت نمی گرفت. اخیراً این امر مورد توجه قرار گرفته است. جریان هایی که در حوزه اندیشه سیاسی قرار دارند را می توان به چندین دسته تقسیم کرد:

۱- جریان فلسفه سیاسی (روش های قیاس محور، حکمت مشاء، اشراق و متعالیه)؛

۲- جریان عرفان سیاسی و رویکردهایی که روش شناسی خود را براساس نوعی

از شهود و کارهای عملی قرار می دهند؛

۳- جریان مربوط به فقه سیاسی؛

۴- جریان ایرانی (که بسیار شناخته شده است و در گرایش های سنت و تشیع

کارهایی را درباره قدرت، حکومت، ارتباط بین جامعه و دولت انجام داده اند)

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی ۱۲۲

***به نظر سیاست نامه به همان جریان ایرانی که اشاره داشتید تعلق دارد.**

اسلامی: همین طور است. جریان ایرانی که به زبان فارسی نوشته شده و سنت بسیار قدیمی بشمار می آید، میراث دار دوره ایران باستان است و در پیوند با جریان اندرز نامه نویسی، سیاست نامه نویسی، آیین های شاهی، خدای نامه ها و شاهنامه ها. این جریانی است که ریشه بسیار محکمی هم در ادبیات فارسی دارد، یعنی همان آثاری که سال ها به عنوان متون ادبی فارسی تدریس می شد. این جریان ارتباط بسیار زیادی با هویت، فرهنگ و اندیشه ایرانی دارد و به لحاظ محتوایی ریشه آن به ایران باستان برمی گردد.

این را هم اضافه کنم که ریشه اندرزنامه نویسی به معنای اندرزهای اخلاقی، هنجاری و ... نیست؛ بلکه ریشه در نوعی تجربیات و اخلاق دارد که کارگزاران حکومت از قبیل شاه، وزیران، دبیران در باب قواعد کشورداری صادر می کردند. این قواعد کشور داری، ریشه هایی کهن دارد که کاملاً تجربی است. یعنی در عرصه سیاست عملی تجربه می شده است که با یک سابقه هزار ساله در ایران، نسل اندر نسل به دوره میانه منتقل می شود و ما این ها را عیناً در اندیشه افرادی مانند ابن مقفع (۱۴۲-۱۰۴ ه.ق)، مسکویه (۳۲۰-۳۲۶ تا ۴۲۱ ه.ق)، خواجه نظام الملک طوسی و متفکران دیگری که آثار سیاست نامه ای دارند می توانیم مشاهده کنیم. در واقع سرشت سیاست در این اندرزنامه ها یک سرشت تجربی، واقع گرایانه و کاملاً عملیاتی است. یعنی اقداماتی که در اجرا آزموده شده است. بنابراین سخنان افرادی مثل ابن مقفع یا غزالی کاملاً از خودشان نیست بلکه پشتوانه بسیار قوی در ایران باستان دارد.

***در واقع شما می فرمایید که این قبیل کتب فقط برای کتابخانه های سلطنتی و مجموعه های نفیس نوشته نمی شدند بلکه کاملاً کاربردی و عملیاتی و در جهت سوق دادن سیاست های حکام و فرمانروایان بودند.**

اسلامی: البته انواع مختلف دارند. بعضی از این کتب را شاهان نوشته اند؛ مانند «عهد اردشیر» که شاه؛ یعنی اردشیر بابکان، ضمن بیان اندرزهایی میراث حکمرانی خود را شرح می دهد. گاه وزیرانی مثل خواجه نظام الملک طوسی، و گاه دبیرانی مانند ابن مقفع این کتب را می نگاشتند و البته برخی مواقع نیز روحانیون یا اهل مذهب که بر سنت «نامه تنسر» بودند. یعنی به موضوعاتی از قبیل ارتباط میان دین و سیاست و کمک هایی که اهالی مذهب می توانند در قبال سیاست انجام دهند و کمکی که اهالی دولت می توانند به برقراری یک دین متعادل جهت داشتن یک حکومت قدرتمند و جامعه متحد انجام دهند می پرداختند.

بنابراین اندرزنامه ها بسته به اینکه از جانب چه کسی نوشته شده اند سرشت های متفاوت دارند. مثلاً گلستان سعدی اندرزنامه ای مردمی به شمار می آید و به شاه توصیه می کند که مردمی حکومت کند. اما دغدغه خواجه نظام الملک طوسی حفظ نظام سیاسی است و واقع گرایی نظام الملک بسیار بیشتر هست و باید توجه داشت که ستون اصلی که می خواهد حکومت را نگه دارد را ما می توانیم در «عهد اردشیر» مشاهده کنیم و تقریباً تمام اندرزنامه های بعدی به نوعی از اندیشه «عهد اردشیر» منتج شدند. عهد اردشیر مثل یک قانون اساسی می ماند که تولید شده و بقیه اندرزنامه ها از روی آن نوشته شده است.

❖ ما می دانیم که اصولاً سیاست نامه ها توسط حکما، علما، وزرا و بزرگان برای فرمانروایان و حکام نوشته می شد. حال سوال این است که ساختار و ماهیت موضوعی

سیاست نامه خواجه نظام الملک بر چه مبنایی استوار بود؟

اسلامی: سیاست نامه کتابی است جامع در باب سیاست. خواجه نظام الملک طوسی قصد دارد شیوه حکمرانی روزگار خویش را که شکل خودسرانه و قبیله ای دارد، و مبتنی بر

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی ۱۲۴

عدم قطعیت است، به یک «سیستم» و نظام سیاسی تبدیل کند. در واقع تمام تلاش او این است که چگونه یک سامان سیاسی و یک نظم سیاسی قاعده مند ایجاد کند. نظمی که بر اساس تجربیات ایرانی استوار شده است. او برای انجام این کار، در کتابش قسمت های مختلف حکومت را ترسیم می کند. وی ابتدا از دربار یا شاه شروع می کند و درباره این پرسشها که شاه یا شاهنشاه کیست؟ تبارش چیست؟ چه ویژگی هایی باید داشته باشد و دربار را چگونه اداره کند؟ توضیحاتی ارائه می کند. سپس به وزارت می پردازد و توضیح می دهد که وزیر کیست و چه وظایفی دارد و چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟. پس از آن وارد بحث کارگزاران دیگر از قبیل سفیران، دبیران، قضات، خزانه داران و اهالی مذهب می شود و تمام قسمت های جامعه را به لحاظ حکومت مند کردن، یعنی ایجاد نهادهایی دارای قواعد منظم چینش می کند.

بدین ترتیب با یک سازمان حکومتی با ارکان متعدد رو به رو هستیم. خواجه نظام‌الملک ابتدا قاعده را بیان می کند، اینکه در گذشته چه بوده و چگونه بوده است. در واقع تجربیات گذشته را نشان می دهد. بعد آن را در قالب چند حکایت اثبات می کند. دقیقاً مثل شیوه های علمی جدید که وقتی قاعده ای گفته می شود برای آن شواهدی ذکر می شود و آن شواهد را اثبات می کنند، نظام‌الملک هم همین گونه عمل می کند. مثلاً می گوید وقتی می خواهید سفیری را انتخاب کنید، این سفیر باید چه ویژگی هایی داشته باشد و سپس به برشمردن آن ویژگی ها می پردازد. شیوه هایی چون امتحان و آزمایش این سفیران و نحوه گسیل کردن آن ها و... و سپس حکایاتی را در باب سفیران موفق و اینکه چه کسانی الگوهای مناسبی بودند می آورد. یعنی کاملاً می توان یک جنبه عملی را از ادب فارسی، فرهنگ ایرانی، شیوه حکمرانی و مملکت داری ایرانی و به طور کلی از میراث ایران باستان در اثر خواجه نظام‌الملک مشاهده کرد.

خط به خط این کتاب بسیار ارزشمند است و با مطالعه آن می توان دریافت که نظام‌الملک تا چه اندازه دقیق به سیاست نگاه می کند.

در پیوند با روزگار خود ما، جایگاه آموزه های سیاست نامه را چگونه می بینید؟

اسلامی: گرچه آن وجه های تکنیکی که ناشی از تکنولوژی های قدیم است و در گذشته به کار می رفته، امروزه کاربردی ندارد اما آن مبانی و اصولی که راجع به حکومت از آن یاد می کند بسیار کارآمد است.

به عنوان مثال وقتی از یک «نظام سیاسی» صحبت می کند به شاه می گوید که مردمان باید نمایندگانی داشته باشند و تو باید چشم و گوش هایی داشته باشی که برای تو خبر بیاورند. در واقع خواجه نظام الملک نظام «اطلاعاتی» را طراحی می کند که بتواند برای سیستم حکومتی اخبار جمع آوری کند. هوش حکومتی خواجه نظام الملک آن قدر بالا است که حتی برای آن ناظران حکومتی هم ناظرانی قرار می دهد که به سمت فساد و خودرأیی و چیزهایی که سیستم را از حالت تعادل خارج می کند، حرکت نکنند.

سیاست نامه، فنون حکومت و تکنولوژی های قدرتی است که برای چرخاندن یک مملکت لازم هست و خواجه نظام الملک آن ها را به خوبی در کتاب خود آورده است. و باز هم تاکید می کنم، این دستورالعمل ها را خود خواجه نظام الملک اختراع نکرده است. بلکه رویکردی است در تداوم سنت حکمرانی هزار ساله در ایران باستان.

ما در همین روزگار معاصر می گوییم که حکومت ها نباید بر افراد متکی، و خودسر و استبدادی باشند. حکومت ها باید بر نقش ها، جایگاه ها و بروکراسی مبتنی باشند. خواجه نظام الملک بر همین اساس دیوان سالاری خردمندانه ایرانی را ترسیم می کند. این اساس، کاملاً امروزی است و هنوز هم تاثیر و کاربرد دارد.

هدف اصلی خواجه نظام الملک از سیاست نامه نویسی چه بود؟

اسلامی: همانطور که بحث شد، هدف خواجه نظام الملک این بود که یک نظم و ترتیب حکومتی را ایجاد کند. خودش می گوید: هدف من از نوشتن این کتاب این است که

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی ۱۲۶

ترتیبات حکومت را مشخص کنم، و قاعده‌ی درگاه، بارگاه، حرم و بخش‌های مختلف حکومتی را تنظیم کنم و روشن کنم که امورات حکومت چگونه می‌چرخد. ببینید، وجود قبایل بیابان‌گرد در اطراف فلات ایران و وضعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای بوده که براساس همان قاعده‌ای که ابن‌خلدون ترسیم می‌کند، هراز چندگاهی قبایلی با اتحاد و عصیت بالا حرکت می‌کردند و جماعت‌های یکجا نشینی را که در پهنه سرزمینی فلات ایران زندگی می‌کردند، با خاک یکسان و هرچه داشتند را به غارت می‌بردند. این اتفاق بارها در تاریخ ایران تکرار شده است.

خواجه نظام‌الملک به طبقه‌ای تعلق داشت که می‌بایست از میراث یکجا نشینی، کار، تلاش، خردمندی و همچنین فرهنگ ایرانی، که فرهنگی دارای ساختار عقلانیست، دفاع کند. این دفاع توسط افراد مختلف مثل حکما، عرفا و ... و به شیوه‌های گوناگون شکل می‌گرفته که ما آن میراث را در ادب فارسی می‌بینیم. یعنی ادبیات فارسی برای ما همان نقش علوم انسانی برای غرب را ایفا می‌کند. تمام میراث ایران در ادبیات فارسی نهفته است. اهل ادب و در واقع ادب‌جایگاهی، که به یک معنی ادب حکمرانی هست، به دنبال این بودند که چگونه می‌توان هرج و مرج، غارت‌گری، زندگی متعصبانه خشک و حتی زهد محوری خشک، ریاکاری و آسیبی که بعد از حمله بدوی‌ها و قبایل بیابان‌گرد به ایران وارد می‌شده را کنترل، رام و مدیریت کنند.

ما چندین بار در تاریخ شاهد هستیم که ایرانیان با میراث خود موفق می‌شوند این قبایل را چنان رام، با ادب و اهل علم و فضل کنند که خودشان یک تمدن ایجاد کنند. یعنی حکومت‌هایی که توسط اسکندر، غزنویان، سلجوقیان و مغول ایجاد شد، ابتدای امر بی‌نظم، و همراه با عدم قطعیت بودند و سرشتی استبدادی بر پایه خود رایی داشتند. اما همان حکام، کمی که می‌گذرد به سمت دفاع از ادب فارسی، حمایت از هنر، معماری، گردهم آوردن فیلسوفان، متفکران، مورخان و دانشمندان روی می‌آورند؛ که این نتیجه کار بیهقی،

ابوریحان بیرونی، خواجه نظام الملک، خواجه نصیرالدین طوسی و عطاء الملک جوینی است و مانند این‌ها است. این افراد نقش بسیاری در این روند دارند. خواجه نظام الملک هم همین کار را می‌کند؛ یعنی در وضعیت مملکت داری بی نظم بی قاعده‌ی خودش را که اهل شهر و یکجانشینان نمی‌پسندند، قاعده‌ای ایجاد می‌کند. او به این اقوام حکومتگر کوچ رو می‌گوید که اگر می‌خواهید حکومت کنید و اقتدار داشته باشید باید چنین اقداماتی را انجام دهید و ترتیبات را هم بیان می‌کند. همان چیزی که ما امروزه از آن تحت عنوان «سیستم» یاد می‌کنیم.

***در واقع خواجه نظام الملک کارآمدی حکومت را دنبال می‌کند... مبانی اصلی**

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام الملک را چگونه تبیین می‌کنید؟

اسلامی: مبانی مختلفی دارد. من سعی می‌کنم به یکی از آن‌ها اشاره کنم. مبانی که نظام الملک می‌خواست بر مبنای آن سامان دهی کند، ریشه‌های کارآمدی حکومت است. از نگاه خواجه نظام الملک و اساساً سیاست نامه‌ها، مهم نیست که چه کسی با چه دین و اعتقادی حکومت می‌کند. مهم کارآمدی حکومت است. یعنی همان چیزی که شما به درستی اشاره کردید. او یک اندیشه «پراگماتیستی» و «عملگرایانه» دارد.

اوج این بینش را در جاهایی می‌بینیم که او اشاره می‌کند حکومت‌ها ممکن است با کفر باقی بمانند اما با ظلم به هیچ عنوان باقی نخواهند ماند. این تفکر کاملاً مبنایی عمل‌گرایانه دارد. در سراسر سیاستنامه، نظام الملک وظیفه‌ی حکومت را حفر قنات، آبرسانی، ایجاد مساجد، آباد کردن کشور، ایجاد قلعه‌ها و راه‌ها و مبارزه با راهزنان و برقراری امنیت بیان می‌کند. یعنی تمام مواردی که بر آنها تاکید دارد شکل عمل‌گرایانه دارد.

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام الملک طوسی ۱۲۸

پس در حقیقت خواجه نظام الملک حکومت را با نتایجش داوری می‌کند نه سرشت حکومت و حاکمان...

اسلامی: دقیقاً. و از دید او مهم این است که حکومت بتواند آبادانی ایجاد کند. او می‌گوید که مهم نیست حکومت‌ها و حاکمان چگونه فکر می‌کنند و چه اعتقاد و آرمان‌هایی دارند، مهم این است که در دید مردم چگونه ترسیم شوند و آیندگان درباره آنها چگونه ببینند. از تو به عنوان کسی که آبادانی برقرار کرد یاد می‌شود یا کسی که بنیاد حکومتش با ظلم ناکارآمدی بوده است؟ او به دنبال جا انداختن چنین بینش و روشی است.

کتاب خواجه نظام الملک، کتاب آرمان‌گرایانه‌ای نیست، کتاب آرزوها نیست بلکه کتاب واقعیت‌هاست. خواجه نظام الملک واقعیت‌ها و قواعدی را که بر پایه خرد و تدبیر سیاسی و سیاست‌ورزی است مهم می‌شمارد. او به کاربرد خرد و استفاده از تجربیاتی که تا کنون آزموده شده و می‌توان با استفاده از آن‌ها مشکلات موجود را حل و فصل کرد باور دارد. به همین علت کتاب خواجه نظام الملک به لحاظ مبنایی، مبنایی واقع‌گرایانه است. مثل کتاب *ماکیاول* (۱۵۲۷-۱۴۶۹ م) است. کتاب *ماکیاول* به ننگه داشت قدرت و افزایش قدرت باور دارد که شاید به مذاق بسیاری هم خوش نیاید و ممکن است بگویند که متفکرانی مانند *ماکیاول* و خواجه نظام الملک کسانی هستند که برای قدرت هر کاری انجام می‌دهند. اما در واقع آن‌ها سرشت سیاست را می‌شناسند. سیاست به انسان‌های ساده و کسانی که سرشت قدرت را نمی‌شناسند نیاز ندارد و چنین انسان‌هایی کشور را بر باد خواهند داد.

کتاب خواجه نظام الملک کتابی واقع‌گرا در باب سرشت سیاست، ترسیم مناسبات قدرت و قواعد حکومت به شمار می‌آید و این به معنای واقعی رویکردی عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه در باب سیاست دارد.

*** با توجه به توضیحات جناب عالی باید بگوییم که خواجه نظام الملک در حال پایه ریزی یک سیستم حکمرانی است تا بر همین اساس حکام زمانه خود و شاید آیندگان این رویه را ادامه دهند؟**

اسلامی: دقیقاً. سیاست نامه پی ریزی یک سیستم است که در آن مباحثی چون جمعیت، سرزمین و فرایندهای سیاسی تعریف خاص خود را دارند تا نشان دهد که شاه و دستگاه بروکراتیک کشور و کارگزاران باید در کجا قرار بگیرند.

خواجه نظام الملک در قسمت اجرائیات، یعنی قوی ترین بخش سیاست نامه، بهترین ترسیم از این سیستم را ارائه می کند. او مواردی از باید ها و نباید ها را بیان می کند که برای اداره صحیح بخش هایی مثل قضاوت، سفارت و ارتش لازم است. او ساختاری مثل آنچه داریوش در دوره هخامنشیان بنا کرده بود تحت عنوان چشم و گوش های شاه، همان سیستم را در دوره سلجوقی پیاده می کند. یعنی اینکه مشکلات سیستم در کجا است و معایش چیست؟

بدین ترتیب کاملاً ساختاری منظم و منسجم، مبتنی بر مقتضیات زمان خود را طراحی می کند که به لحاظ تکنولوژی های قدرت در نوع خودش بی نظیر بوده است. مثلاً در فصلی در باب خزانه می گوید: حاکم باید دخل و خرج خود را بنویسد و نگاه دارد. پادشاه به دو خزانه نیاز دارد، خزانه ای جهت چرخاندن امور جاری مملکت و خزانه ای که برای حوادث خاص ایجاد می شود و می تواند جوهری به مثابه وام از آن برداشت کند.

کتاب سیاست نامه خواجه نظام الملک نشان دهنده میراث گران بهای ما است. این اثر قابلیت این را دارد که در دانشگاه های جهان تدریس گردد و حتی در قالب نظریه هایی در محیط بین الملل مطرح شود. مثل کاری که دکتر «نگین یآوری» انجام داده و خواجه نظام الملک را به خوبی در سطح بین الملل معرفی کرده است. در واقع شأن خواجه نظام الملک در حد شأن ماکیاول هست و حتی من خواجه نظام الملک را بالاتر می دانم. اما آن اندازه

حکومت داری از دیدگاه خواجه نظام‌الملک طوسی ۱۳۰

که درباره ماکیاول تحقیقات انجام شده است درباره سیاست نامه نظام‌الملک چنین نیست و خیلی جای کار دارد.

✽ارتباط سیاست نامه با اندیشه «ایران‌شهری» چیست؟ و چه دیدگاهی درباره اندیشه

ایران‌شهری دکتر «سید جواد طباطبایی» دارید؟

اسلامی: بحث مفصلی است. اکثراً گمان می‌کنند که این اندیشه یک ایدئولوژیست اما اندیشه ایران‌شهری یک مانیفست، ایدئولوژی و سیستم منسجم نیست. ایران‌شهر یعنی حکومت ایران یا دولت شهر ایران، نامی که ساسانیان بر قلمرو سرزمینی خود گذاشتند و خود را پادشاه ایران شهر می‌خواندند. اما باید گفت که سیاست‌نامه‌ها در فرهنگ و اندیشه ایرانی جایگاه مهمی دارند.

چون جامعه امروز ایران، جامعه‌ای سیاست زده است، به سرعت می‌خواهد جریان جدیدی را مانند مانیفست مارکسیستی از اندیشه ایران‌شهری بیرون آورد. در حالی که هرگز نمی‌توان گفت یک ایدئولوژی ایران‌شهری وجود دارد.

پژوهشگرانی در این باره با رویکردهای گوناگون مطالبی نوشته‌اند. کسانی مانند «ابراهیم پورداوود»، «مهرداد بهار»، «ژاله آموزگار»، «سید جواد طباطبایی» و متفکران بسیار دیگری که به جنبه‌های گوناگون‌گونی از قبیل معماری، هنر، ادبیات، مذهب، سیاست، تاریخ و اسطوره پرداخته‌اند. برای پاسخ به پرسش شما باید بگویم که اصلی‌ترین فردی که در باب «اندیشه ایران» می‌نویسد، شادروان دکتر طباطبایی است. او تاکید می‌کند که فقط سوالات و مقدمه را طرح کرده است تا در آینده پژوهش‌هایی بر این مسئله صورت پذیرد. دکتر طباطبایی کتابی ارزشمند و ماندگاری در این مباحث از خود به جای گذاشته است. او در این کتاب سیاست نامه نظام‌الملک را در کنار متون دیگر معرفی می‌کند و آن را جزو متون مهم اندیشه سیاسی در ایران به شمار می‌آورد. طباطبایی نشان می‌دهد خواجه نظام‌الملک چگونه میراث ایران باستان را در سیاست نامه خود منعکس کرده و این اثر چه ارتباطی با جریان سیاست نامه نویسی ایرانی دارد.

✳️ آیا سنت سیاست نامه نویسی پس از دوران میانه نیز تداوم یافت؟

اسلامی: سیاست نامه نویسی پس از قرون میانه نیز تداوم یافت. به طور مثال در دوره معاصر و در کتاب «منشآت» قائم مقام فراهانی جنبه هایی از سیاست نامه نویسی وجود دارد. همچنین در نوشته های تقی زاده و به خصوص محمد علی فروغی می توان جنبه هایی از آن را مشاهده کرد.

اما به معنایی، در دوره جدید یعنی از مشروطه به بعد، می توان گفت که آثار سیاست نامه ای نداریم زیرا در این دوران علوم جدیدی همچون اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی و غیره مبتنی بر روش علمی، پوزیتیویستی و اثبات گرایانه وارد ایران می شوند. متأسفانه این میراث و علوم جدید ارتباطی با سنت قدیم برقرار نمی کنند. با وجود این که سنت ایرانی به خصوص در ادبیات فارسی بسیار خردمندانه، عقل گرایانه و انسان محورانه بود، علوم انسانی برای ما از داخل این سنت بیرون نیامد و شاید یکی از عللی که علوم انسانی ما با سنت، مذهب و فرهنگ و بسیاری از مظاهر ایران سر ستیز پیدا می کند این است که با این سنت ادبی تاریخی آشنا نیستند. یعنی نسبتی با ادبیات ما ندارند.

توصیه من به کسانی که در علوم انسانی فعالیت می کنند این است که فریب دیدگاه های غربی به ویژه آنهایی را که به تعبیری امروزه در جامعه مُد هستند مانند افکار فوکو و ... را نخورند. متأسفانه از ادبیات این افکار برای تخریب فرهنگ ایران و ایرانی و نابودی زبان فارسی استفاده می شود. جامعه ایران یک «جامعه کلنگی» و شبیه آن که برخی امروزه بر آن باور دارند، نیست. این جریانات، حاشیه ای هستند و بازی های زبانی راه می اندازند و پس از مدتی هم محو می شوند. این افکار نمی توانند کاری از پیش ببرند چرا که ما پشتوانه ای بسیار کهن و استوار داریم و انسان هایی چون فردوسی، حافظ، سعدی، خواجه نظام الملک که در جهان مشهور هستند.

دقیقاً نقد جناب عالی بر نظریه «جامعه کلنگی» کاتوزیان چیست؟

اسلامی: دکتر کاتوزیان انسان بسیار فرهیخته ایست و آثار بسیار ارزشمندی درباره تاریخ ایران دارد. او همچنین با کتب معتبر خود نقش مهمی در شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران به جهان داشته است. اما ایشان برای ایران نمی‌نویسد. بیشتر برای خارجی‌ها می‌نویسد. من با تزه‌های او درباره استبداد ایرانی و جامعه کلنگی موافق نیستم. جامعه ایران، جامعه‌ای کلنگی نیست؛ در این جامعه مالکیت رواج داشته است. ایرانیان سنت وقف داشتند... آنها ماندگاری از خود برجای گذاشتند.

قرون وسطی و عصر تاریکزی اروپا اکنون مثلاً توسط اسکینر بازخوانی می‌شود و بعد از دل آن مشروطه خود را بیرون می‌کشند. ایران یکی از کشورهایی است که فرهنگ و زبان آن تا به امروز تداوم یافته است و تاریخ کهن دارد. آیا با این همه استبدادی و کلنگی بوده؟ اتفاقاً جامعه‌ای بلند مدت است یعنی جامعه‌ای دارای فرهنگ محکم و کهن است که نابود نشده و نمی‌شود. اساطیر ما هنوز حضور دارند. این چگونه جامعه کلنگی است؟ همین الان کارنامه اردشیر بابکان را بخوانید بسیاری از متن را خواهید فهمید. این یعنی تداوم و نه کوتاه مدتی. این جامعه بلند مدت است. سنت ایرانی به خصوص زبان و ادب فارسی را هرگز نمی‌توانیم کنار بگذاریم و فراموش کنیم چون استبدادی و کوتاه مدت نیست.